Scientific Journal Research in Islamic Education Issues

1986 Imam Hossein Comprehensive University

59

Vol. 31
summer 2023

Investigating the rationale of offering Islamic thought courses at the undergraduate of universities

AliasgharDehghani[1] | Ahmadreza Nasr Isfahani[2] | Abdolrasoul Meshkat[3]

Research Paper

Received: 04 February 2022
Revised:28 April 2022
Accepted:20 September 2023
Published: 23 August 2023
P.P: 91-118

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196

Abstract

The purpose of this paper is to investigate the rationale of offering Islamic thought courses at the undergraduate. One of the main elements of curriculum planning is explaining the logic and necessity of each lesson. This article, while examining the necessities of presenting Islamic thought courses with a qualitative approach and descriptive method, achieved the following results during a semi-open interview with 34 instructors of education and 32 students. Teachers and students agree on the need to provide education courses in the following cases:1- Enhancing insights, education and strengthening of intellectual and doctrinal foundations. 2- Training to improve the superior style and standard of living. 3- Communicating with teachers and religious scholars and following their example. The next two categories were considered only by instructors of thought. 1- The need to be in harmony with the world education system. 2-Implementation of upstream documents and Islamization of universities. Proposal: The institution and the department of education, a group composed of representatives of the institution, the department of education, students and one of the professors related to the subject; Under the supervision of a curriculum specialist, review and re-plan education courses based on research findings.

Keywords: Higher Education, Curriculum Planning, Islamic thought lessons.

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.59.6.8

1.PhD student in Curriculum Planning in Higher Education, University of Isfahan, Department of Educational Sciences. abanznz@yahoo.com
2. Faculty member and professor of the Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan. arnasr@edu.ui.ac.ir
3.Faculty Member and Assistant Professor, Department of Education - Faculty of Theology and Ahl al-Bayt - University of Isfahan. a.meshkat@ltr.ui.ac.ir

Publisher: Imam Hussein University

© Authors

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

مجلة البحث العلمي في قضايا التربية الإسلامية

٥٩

المجلد ٣١
الصَّيفُ ١٤٤٤

ورقة البحث

تاريخ الاستلام:١٤٤٣/٦/٣
تاريخ المراجعة:١٤٤٣/٩/٢٨
تاريخ القبول:١٤٤٥/٣/٧
تاريخ النشر: ١٤٤٥/٢/٨

صص: ١١٨-٩١

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196

دراسة ضرورة تقديم دروس المعارف الإسلامية فى المرحلة الاخصائية بالجامعات

على أصغر الدهقانى [١] | أحمدرضا النصراصفهانى [٢] | عبد الرسول المشكاة [٣]

الملخص

هدف البحث هو معرفة ضرورة تقديم دروس معارف الإسلامية فى المرحلة الاخصائية بالجامعة. أحد العناصر الرئيسية لتخطيط الدرسى هو تبيين منطق و ضرورة كل درس. و قد توصل هذه المقالة، أثناء تناولها لضرورات تقديم دروس معارف الإسلامية بالمنهج النوعى و المنهج الوصفى، إلى النتائج التالية خلال مقابلات شبه مفتوحة مع ٣٤ من اساتذة المعارف و٣٢ من الطلاب الجامعية. يتفق أساتذة المعارف و الطلاب الجامعية فى مبحث ضرورة تقديم دروس المعارف فى الموضوعات التالية: ١- تعزيز المعرفة ، التعليم و تعزيز الأسس الفكرية و العقائدية. ٢- تعليم تحسين أسلوب و مستوى الحياة الراقية. ٣- التواصل مع أساتذة المعارف و العلماء الدينية و اتخاذهم قدوة. تم النظر فى الفئتين التاليتين فقط من قبل أساتذة المعارف: ١- ضرورة الانسجام مع نظام التعليمى العالمى. ٢- تنفيذ الوثائق الاولية و ايجاد الحالة الاسلامية فى الجامعات. الاقتراح: يلزم ان تكوّن المؤسسة و قسم المعارف، مجموعة مكونة من ممثلين عن المؤسسة و قسم المعارف و الطلاب و أحد الأساتذة ذوى العلاقة بالموضوع؛ تحت إشراف خبير تخطيط الدروس، و يقوم بإعادة النظر و تخطيط مجدد لدروس المعارف بناءً على نتائج البحث.

الكلمات الرئيسية: التربية، تربية الحاكم، العامل، الفارابى،البحث عن الدلالة.

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.59.6.8

١. الكاتب المسوول، طالب دكتوراه فى تخطيط المناهج الدرسية فى الدراسات العالية، كلية العلوم التربوية و علم النفس، قسم العلوم التربوية، جامعة الاصفهان، الإيران.

٢. عضو الهيئة العلمية و أستاذ قسم العلوم التربوية، كلية العلوم التربوية و علم النفس، قسم العلوم التربوية، جامعة الاصفهان، الإيران.

٣. عضو الهيئة العلمية و الأستاذ المساعد فى قسم المعارف الإسلامية، كلية الالهيات و معارف أهل البيت (ع) – قسم المعارف الإسلامية، جامعة الاصفهان، الإيران.

الناشر: جامعة الامام الحسين (ع) ©المؤلفون

هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعى (CC BY).

نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی

بررسی ضرورت ارائه دروس معارف اسلامی در مقطع کارشناسی دانشگاه‌ها

علی اصغردهقانی[1] | احمدرضا نصر اصفهانی[2] | عبدالرسول مشکات[3]

۵۹
سال سی و یکم
تابستان ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۵ بهمن ۱۴۰۰
تاریخ بازنگری: ۰۸ اردیبهشت ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۰۱ شهریور ۱۴۰۲
صص: ۱۱۸-۹۱
شاپا چاپی: ۲۲۵۱-۶۹۷۲
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۱۹۶

چکیده

هدف پژوهش، بررسی ضرورت ارائه دروس معارف اسلامی در مقطع کارشناسی می‌باشد. یکی از عناصر اصلی برنامه ریزی درسی، تبیین منطق و ضرورت هر درسی می‌باشد. این مقاله ضمن بررسی ضرورت های ارائه دروس معارف اسلامی با رویکرد کیفی و روش توصیفی، طی مصاحبه نیمه باز با ۳۴ نفر از اساتید معارف و ۳۲ نفر از دانشجویان، به نتایج زیر دست یافت. اساتید معارف و دانشجویان در موارد زیر در خصوص ضرورت ارائه دروس معارف هم نظر هستند: ۱- معرفت افزایی، آموزش و استحکام بنیادهای فکری و اعتقادی. ۲- آموزش ارتقاء سبک و سطح زندگی برتر. ۳- ارتباط با اساتید معارف و عالمان دینی و الگو گیری از آنان. دو مقوله بعدی فقط مد نظر اساتید معارف بود. ۱-ضرورت هماهنگ بودن با نظام آموزشی جهانی. ۲- پیاده سازی اسناد بالا دستی و اسلامی سازی دانشگاه ها. پیشنهاد: نهاد و گروه معارف، جمعی را مرکب از نمایندگان نهاد، گروه معارف، دانشجویان و یکی از اساتید مرتبط با موضوع؛ تحت نظارت متخصص برنامه ریزی درسی تشکیل داده و دروس معارف را مورد بازنگری و برنامه ریزی مجدد بر مبنای یافته های پژوهش قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: تربیت؛ تربیت زمامدار؛ کارگزار؛ فارابی؛ دلالت پژوهی.

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.59.6.8

۱. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی در آموزش عالی،دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی،گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان،ایران abanznz@yahoo.com
۲. عضو هیأت علمی‌و استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی،گروه علوم تربیتی،دانشگاه اصفهان،ایران
۳. عضو هیأت علمی و استادیار گروه معارف اسلامی،دانشکده الهیات و معارف اهل البیت(ع)-گروه معارف اسلامی،دانشگاه اصفهان،ایران

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسندگان
این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

رسالت تربیتی و اهداف مطلوب دانشگاه ها به پرورش بعد عقلانی و دانشی محدود نشده، بلکه ابعاد دینی- اجتماعی دانشجویان نیز مطرح است. لذا دانشگاه ها باید در راستای ایجاد زمینه تعالی فرد در جهت تکامل و رسیدن به مقام عبودیت گام های اساسی بردارند. امام خمینی- ره- (۱۳۵۶) معتقدند، باید جوانان روحانی و دانشگاهی قسمتی از وقت خود را صرف شناخت اصول اساسی اسلام بکنند. در همین راستا یکی از تدابیر در نظر گرفته شده، ارائه دروس معارف اسلامی می‌باشد. قرار گرفتن این دروس در برنامه آموزشی مقطع کارشناسی کلیه رشته‌های تحصیلی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی از جمله اقدامات و مصوبات اساسی شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد.

از ابتدای انقلاب فرهنگی (۱۳۶۳) بخشی از مسئولیت تربیت دینی دانشجویان و اسلامی شدن دانشگاه ها به عهده گروه معارف اسلامی دانشگاه ها گذاشته شده است. به منظور هماهنگی بیشتر، این دروس با گرایشهای مبانی نظری اسلام، اخلاق اسلامی، انقلاب اسلامی، تاریخ و تمدن اسلامی و آشنایی با منابع اسلامی در ۱۶ عنوان و ۳۲ واحد درسی در جلسه (۵۴۲) شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۳/۴/۲۳) تصویب و برای اجراء به دانشگاه ها ابلاغ گردید.

آمار بالای دانشجویان مقطع کارشناسی در دانشگاه ها و تعداد واحد هایی که موظفند تحت عناوین دروس معارف بگذرانند، حساسیت نگاه مسئولانه به این دروس را افزایش داده است. به عنوان مثال، مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای نهاد رهبری در دانشگاه ها (۱۳۸۹/۴/۲۰) فرمودند: «آنچه که به نظر بنده در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، فکر و دل مخاطبان شماست؛ باید کلاس معارف بگذارید؛ معارف متقن با زبان روز، متناسب با فکر دانشجو، متناسب با ادبیات دانشجو».

در همین راستا شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب نمود: « برای بهره مندی بیشتر از فرصتی که تحت عنوان دروس معارف اسلامی در دانشگاه ها به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها موظف است، علاوه بر شیوه رایج

موجود، شیوه های نو و قالب های جدیدی را برای ارائه دروس معارف اسلامی طراحی و با تولید محتوای عمیق تر و در عین حال کاربردی تر در تعلیم و تربیت فکری و سیاسی دانشجویان تلاش نماید»(جلسه ۶۸۶، ۱۳۹۰/۱/۲۳).

از منویات رهبری در دیدار با اساتید دانشگاه ها (۱۳۹۳/۴/۱۱) خطاب به اساتید دروس معارف، برداشت می شود که به رغم تلاش های انجام شده باز هم جای کار بیشتری وجود دارد. ایشان فرمودند: «استادان دروس معارف، فرصت بسیار ارزشمندی را دارند در دانشگاه؛ این مجموعه‌ی عظیم دانشجویان، جماعت میلیونی دانشجو در ساعات فراوانی در اختیار استاد معارفند؛ این خیلی فرصت با ارزشی است.»

اهمیت و ارزش بررسی ضرورت و چرایی ارائه این دروس از چندین جهت قابل توجه است. اول اینکه دانشجویان درصد قابل توجهی از وقت خود را در کلاس های معارف می گذرانند. دوم اینکه آمار دانشجویان کارشناسی در سطح کشور آمار قابل ملاحظه ای است. سوم اینکه اهمیت آموزش درست، تأثیرگذار و ماندگار دروس معارف برای جوانان و رفع شبهاتی که در این زمینه می‌شود، اهمیت بسزایی دارد. چهارم نقش الگویی و تاثیر گذاری است که دروس معارف می‌تواند بر سایر دروس تخصصی به لحاظ دینی کردن آن ها داشته باشد. افزون بر اینها چنانچه این رسالت و مأموریت به درستی انجام گیرد، نه تنها خود دانشجویان و جوانان در زمینه معارف اسلامی تعالی می یابند، بلکه می‌توانند پیام این دروس را به خانواده، دوستان و سایر افراد جامعه نیز منتقل نمایند.

بر همین اساس شاید یکی از اصلی ترین سوال های مطرح در این خصوص، منطق و ضرورت ارائه دروس معارف اسلامی‌باشد و این که چرا دانشجویان باید دروس معارف را بگذرانند؟ پاسخ دقیق و متقن به این سوال راه را برای نگاه مسئولانه به جایگاه واقعی این دروس هموار نموده و در نتیجه مراحل بعدی برنامه ریزی درسی هماهنگ و منسجم تر پیش خواهد رفت. همچنین دروس معارف از حاشیه خارج شده و دانشجویان با رغبت و آمادگی بیشتری در این کلاس ها حضور می‌یابند.

مبانی نظری

تربیت و آموزش دینی یکی از علوم مورد نیاز و ضروری بشر می‌باشد. "توجه جامعه اسلامی به علوم مورد نیاز و فراگیری آن ها، از ضرورت ها و موجب حفظ عزت و قدرت مسلمانان است. امیر مؤمنان (ع) می فرمایند: علم و دانش قدرت است، هر کس به آن دست یابد، غلبه می یابد و هر کس به آن دست نیابد زیر سلطه قرار می گیرد" (جوادی آملی،۱۳۹۱: ۷۶). ایشان برخی از علوم مورد نیاز را علوم دینی، عقاید، قرآن، حدیث، فقه، واجبات، حرفه و صنعت، شعر دینی و مهارت، مستند به آیات و روایت، معرفی می کند.

نقش دانشگاه و آموزش عالی در تربیت و آموزش معرفتی-دینی، به عنوان استمرار و تکمیل و تعالی آموزش های قبلی، بسیار مهم و تثبیت کننده است. این مهم در اسناد بالا دستی نظام تعلیم و تربیت کشور، بسیاری از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و از جمله، سند نقشه جامع علمی کشور (جلسه ۶۷۹، ۱۳۸۹) و سند دانشگاه اسلامی (جلسه ۷۳۵، ۱۳۹۲)، آمده است. امام خامنه ای-حفظه الله-(۱۳۹۳)، در دیدار با اساتید دانشگاه ها در همین زمینه می فرمایند:" آنچه از استاد انتظار می رود فقط تغذیه ی علمی دانشجو نیست، بلکه تقویت روحیه معنوی او و شخصیت معنوی او هم از استاد متوقع است. آموزش و دانشگاه در دین پذیری دانشجویان نقش مؤثری دارند (میرشاه جعفری و تقی زاده، ۱۳۹۵).

برای اینکه دانشگاه، نقش مهم تربیت دینی- اعتقادی جوانان و دانشجویان را به نحو مطلوب عملی سازد، نقش علوم روز به ویژه علوم تربیتی، بسیار مهم می‌باشد. یکی از فعالیت های محوری و زیربنایی در این زمینه برنامه ریزی درسی است. اصطلاح « برنامه درسی» ریشه در واژه لاتین «currere» دارد که به معنای میدان مسابقه یا میدانی برای دویدن است (مهر محمدی، ۱۳۹۱: ۱۱). فتحی (۱۳۹۳: ۲۲) به نقل از بیوشامب۱ (۱۹۹۱) معتقد است که برنامه درسی سندی است که اولاً اهداف و محتوا و موقعیت یادگیری را توصیف می‌کند و ثانیاً به عنوان یک سیستم است که به زمینه های رفتاری انسانی و تصمیمات برنامه ای می پردازد و ثالثاً یک قلمرو فعالیت است. وی می‌گوید: " برنامه ریزی درسی از لحاظ مفهومی اشاره به یک فرایند دارد که نتیجه آن، برنامه درسی است"(همان: ۱۴). برنامه درسی نتیجه فرایند برنامه ریزی درسی است.

1.Beauchamp

دست کم چهار عنصری که همه اندیشمندان و نظریه پردازان برنامه ریزی درسی روی آن توافق دارند، هدف، محتوی، تدریس و ارزشیابی است. ملکی (۱۳۸۰: ۳۰) می گوید، صاحب نظران تعداد عناصر برنامه درسی را متفاوت دانسته اند. بعضی چهار عنصر و برخی نظیر کلاین[1]، ۹ عنصر را می پذیرند. تابا[2] (۱۹۶۲) الگو و عناصر برنامه ریزی درسی را شامل: تعیین نیازها، صورت بندی هدف ها، انتخاب محتوا، سازماندهی محتوا، انتخاب تجربه های یادگیری، سازمان دهی تجربه های یادگیری، تعیین آنچه باید ارزشیابی شود و روش های ارزشیابی می داند. فتحی (۱۳۹۳) الگو و عناصر را اینگونه معرفی می‌کند: نیاز سنجی، تدوین هدف ها، انتخاب محتوا و فعالیت های یادگیری، تعیین روش های تدریس، اجرای برنامه درسی و ارزشیابی برنامه درسی. اکر[3] (۲۰۱۰) در رابطه با ترکیب عناصر برنامه درسی، ده عامل را به عنوان اجزاء برنامه درسی می‌داند: ۱-منطق و چرایی یادگیری ۲-اهداف ۳-محتوا ۴-راهبردهای یاددهی- یادگیری (نقش معلم) ۵-فعالیت های یادگیری ۶-مواد و منابع ۷ -گروه بندی فراگیران ۸-مکان ۹-زمان ۱۰ - سنجش و ارزیابی.

برنامه درسی مطلوب و کامل، نتیجه برنامه ریزی دقیق با توجه به همه عناصر برنامه‌ریزی درسی می‌باشد. لکن باید توجه نمود که تبیین منطق و ضرورت برنامه های درسی است که می‌تواند راهنمای عملی تدوین سایر عناصر برنامه ریزی درسی باشد. کلاین (۱۹۸۵)، در خصوص هماهنگی بین عناصر برنامه ریزی درسی می گوید: "همخوانی درونی از بررسی و مطالعه دقیق عناصر و عوامل برنامه عاید می‌گردد. اگر تصمیم های گرفته شده در باره نوع منابع اطلاعات مورد استفاده و عناصر برنامه، با یکدیگر سازگاری داشته باشد، برنامه درسی همخوانی درونی خواهد داشت."

در همین خصوص فتحی واجارگاه (۱۳۸۹) می نویسد: منطق برنامه های درسی به صورت شبکه تار عنکبوتی است. هر برنامه ای باید دارای منطقی صریح و روشن باشد تا به وسیله آن، عناصر برنامه درسی قابل درک باشد و توجیه لازم برای محتوای پیشنهادی، روش آموزشی و سازماندهی برنامه درسی فراهم شود. ... این منطق باید پاسخ دهد که: چر ا دوره آموزشی مورد

1. Klein
2.Taba
3.Akker

نظر ضروری است؟ بر چه مبنایی اهداف، محتوا، روش آموزش و ارزشیابی دوره آموزشی مورد نظر فراهم شوند؟ بر چه مبنایی آموزش دهندگان برای دوره آموزشی موردنظر انتخاب می‌شوند؟ چرا از یک روش خاص برای آموزش استفاده می شود؟

پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهش های قابل ملاحظه ای در این زمینه انجام شده است؛ امّا این پژوهش با تمرکز بر کار کیفی و مصاحبه نیمه ساختاریافته، ابعاد جدیدی از لایه های پنهان و نظر اساتید معارف و دانشجویان در خصوص چرایی و ضرورت ارائه دروس معارف اسلامی را بیان می دارد. آسیب‌ها و همچنین پیشنهادهای کاربردی اساتید دروس معارف و بویژه دانشجویان را مکتوب ساخته و علاوه بر این ها با تمرکز بر دو دانشگاه پر دانشجو در سطح کشور، عمق بررسی را بیشتر نموده است. ضرورت بررسی مجدد و تازه در این زمینه نسبت به آنچه در گذشته رخ داده نیز این پژوهش را متمایز می سازد.

آنچه در بیشتر پژوهش های انجام شده در خصوص دروس معارف مشترک است، تلاش نهاد نمایندگی و گروه معارف در دانشگاه ها، اساتید فرهیخته و مدرسان دلسوز دروس معارف و متخصصان برنامه ریزی درسی در دانشگاه ها به منظور ارتقاء و اثربخشی بیشتر این دروس و آسیب زدایی از آن ها بوده است؛ لکن به منطق و ضرورت[1] ارائه دروس معارف بطور مستقل کمتر پرداخته شده است.

به عنوان نمونه حسینی کریمی و ضابط پور (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان" تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش و انگیزش دینی دانشجویان (مطالعهٔ موردی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل) "بیان می دارند، دانشجویان به ضرورت آموزش های دینی، تربیتی و اخلاقی واقفند و گرایش دارند و مایلند آگاهی هایشان در این زمینه ها افزایش یابد. همچنین رویکردی که مبتنی بر کاربردی بودن آموزه های دینی در زندگی باشد در دروس معارف اسلامی باید تقویت شود.

۱. منطق و ضرورت دروس یکی از عناصر مهم برنامه ریزی درسی بر مبنای الگوی Jan van den Akker می باشد.

قربانی و ابوالحسنی(۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان" الگوی مقایسه ای؛ راهکاری کارآمد برای تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه ها در ساحت تبیین و دفاع از آموزه های اسلامی" آورده اند که جایگاه دروس معارف در عملکرد نگرشی دانشجویان حائز اهمیت است. اتخاذ راهبرد کلان آموزشی و بهره گیری از ابزارها و تاکتیک ها جهت توسعه این نگرش اهمیت دارد. ... ضرورت اخذ این شیوه، توسعه گستره دانش ها و آگاهی های فزاینده دانشجویان و مخاطبان از مسائل جدید و نیز وجود مکاتب و نحله های فکری متعدد و بروز و ظهور شبهات در دنیای اطلاعات و ارتباطات کنونی است.

قیوم زاده (۱۳۹۷) در مصاحبه با نشریه معارف با عنوان" حکمت ارائه دروس معارف اسلامی در دانشگاه" در خصوص منطق و ضرورت ارائه دروس معارف بیان می دارد، در دانشگاه‌ها نمی‌تواند آموزش صرف و انتقال مفاهیم خاص دینی باشد. چرا که جنبه پرورشی و تربیتی این دروس بسیار قوی‌تر از جنبه آموزشی است؛ اما پرورش و تربیت بدون علم و تحصیل مفاهیم و داشتن دانش و بنیان فکری، بی‌پایه و اساس است؛ پس باید گفت: اصل در هویت‌سازی دینی و شخصیت اسلامی و بسترسازی تربیت دین است.

در بیان اهمیت منطق و ضرورت دروس و عدم توجه به آن، نکته این است که باعث بروز آسیب های فراوانی می شود. چنانچه محمودی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان" آسیب شناسی تربیت دینی دانشجویان از نظر اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه پیام نور" برخی از موانع و آسیب های تربیت دینی دانشجویان را تدریس دروس معارف به وسیله اساتید کم تجربه، به روز نبودن کتب معارف در دانشگاه، عدم وجود تعامل مناسب بین دانشگاه و حوزه علمیه، فعالیت ناکافی نهادهای مذهبی در دانشگاه، نمره گرایی و کاهش مشارکت دانشجویان در مباحث دینی معرفی می کند.

قدم اول رسیدن به منطق و ضرورت هر درسی نیاز سنجی درست می‌باشد. خوشی (۱۳۹۱) در رساله خود با عنوان" تبیین و شناسایی مسائل و نیازهای دانشجویان در برنامه درسی دروس معارف اسلامی دانشگاههای شهر تهران به منظور ارائه الگوی مطلوب" آورده است که: «نیاز سنجی برنامه درسی دروس معارف با توجه به نیازهای اساسی دانشجویان در شرایط موجود و بررسی عناصر برنامه درسی دروس معارف این امکان را فراهم می سازد تا برنامه ریزان و سیاستگذاران این

درس، عناصر برنامه درسی (اهداف، محتوا، روش تدریس، ارزشیابی) را آنطور که شایسته پاسخگویی به نیازهای روز دانشجویان می‌باشد سازماندهی نمایند.»

مشکات(۱۳۸۵) در مقاله ای با عنوان:" از اخلاق توصیه مدار تا اخلاق ولایی و اسوه مدار" روش های تربیت اخلاقی را با دو عنوان «روش توصیه مدار» و «روش اسوه مدار» از یکدیگر متمایز نموده است.

ضرورت توجه به دروس عمومی مربوط به مذهب و معنویت، در پژوهش های کشورهای دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال شنفیلد[۱] (۲۰۱۶) طی مقاله ای با عنوان" دیدگاه ها در مورد ابهام اخلاقی و آموزش شخصیت در کلاس درس" زمینه فرهنگی را در تلاش برای فهم و درک آموزش مسائل اخلاقی در کلاس درس، ضروری می داند. شاپیرا[۲](۲۰۱۶)) طی مقاله ای با عنوان" از استدلال اخلاقی به آموزش معلم برای عدالت اجتماعی" در خصوص آموزش اخلاقی معلمان، به عدالت اجتماعی توصیه می‌کند. وی (۲۰۱۳) همچنین طی پژوهش دیگری با عنوان" شبیه سازی مبتنی بر تیم: رفتار اخلاقی یادگیری در برنامه های آموزش معلمان" اصول اخلاقی تدریس و قابلیتهای حرفه ای معلمان و استادان را شامل تدریس صادقانه، اداره کلاس هماهنگ با اصول دموکراتیک و بوجود آوردن محیطی که رشد دهنده باشد، می داند.

پانتیک[۳] و ووبلز[۴] (۲۰۱۲)، طی پژوهشی با عنوان "ارزشهای اخلاقی معلمان و روابط بین فردی آنها با دانشجویان و صلاحیت های فرهنگی"می نویسند، اعتقادات و ارزشهای اخلاقی معلمان در روابط بین فردی آنها با دانشجویان و صلاحیت و مهارت های فرهنگی معلمان تأثیر گذار است. سارگلو[۵] (۲۰۱۰) طی پژوهشی با عنوان "دینداری به عنوان یک انطباق فرهنگی از صفات اصلی: یک چشم انداز مدل پنج عامل" می نویسد، همهٔ ابعاد دینداری و معنویت به طور مثبت با وجدانی بودن همبستگی داشته و وجدانی بودن نیز به عنوان ویژگی های عمدهٔ شخصیت دیندار ظاهر

۱.Shenfield

۲.Shapira

۳.Pantic

٤.Wubbels

٥.Saroglou

می‌شوند. راتکلیف[1] (۱۹۹۲) در پژوهشی با عنوان "بهبود وضعیت کنونی برنامه درسی آموزش عمومی در دانشگاه ها" به اعلام صریح اهداف برنامه درسی عمومی؛ فراهم آوردن فرصت یادگیری تلفیقی؛ ایجاد وحدت و یکپارچگی بین آموزش و تجربیات زندگی؛ فراهم کردن زمینه تجربی یادگیری فعالانه و درگیر شدن بیشتر در جریان آموزش در کلاس های درس؛ و انجام ارزیابی های مداوم از یادگیری ها و ارائه سریع بازخوردها برای دانشجویان، توصیه می کند.

روش پژوهش

این پژوهش علوم تربیتی به لحاظ هدف، کاربردی-توسعه ای و به لحاظ ماهیت و روش، توصیفی با رویکرد کیفی است؛ و هدف آن بررسی منطق و ضرورت ارائه دروس معارف اسلامی دانشگاه ها (مبانی نظری اسلام) می‌باشد. توصیفی از این جهت که محقق در صدد توصیف واقعیت عینی منطق، ضرورت و چرایی ارائه دروس معارف اسلامی است. هدف تحقیقات کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. به عبارت دیگر تحقیقات کاربردی به سمت کاربرد عملی دانش هدایت می شود. نتایج این نوع تحقیقات در تعلیم و تربیت مثلاً در طراحی برنامه های درسی و کمک به اتخاذ تصمیم های مربوط به نظام آموزشی به کار می رود (بازرگان، ۱۳۹۵).

جامعه هدف: مطالعه تفسیری اساسی، گونه ای از پژوهش کیفی است که در آن شیوه های متفاوتی برای جمع آوری اطلاعات از قبیل مصاحبه، مشاهده و مرور و بررسی اسناد و مدارک به منظور توصیف پدیده ی مورد تحقیق به کار گرفته می شود (رضویه، ۱۳۹۳: ۲۸۳). جامعه هدف با توجه به اینکه رویکرد کیفی و مطالعه تفسیری اساسی است، شامل موارد زیر می‌باشد.

۱- اسناد مکتوب، مبانی نظری و پژوهش های مرتبط با موضوع؛ مخصوصاً برنامه درسی در آموزش عالی و دروس معارف دانشگاه ها.

۲- مدرسان و صاحب نظران دروس و گروه معارف و نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها.

۱.Ratcliff

۳- دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه اصفهان و دانشگاه یزد(اعم از روزانه و نوبت دوم).

تعیین حجم نمونه: چون پژوهش کیفی است حجم نمونه در بخش مطالعه اسناد و مدارک تا حد ضرورت و اقتضاء و در بخش اساتید و مدرسان و سایر افراد مطلع و دانشجویان، مصاحبه ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت.

روش نمونه گیری و چگونگی جمع آوری داده ها: در این پژوهش نمونه گیری به صورت انتخابی، اقتضایی و هدفمند، انجام گرفت. در بخش اسناد و مدارک با روش جامع و با رجوع به سایت های معتبر و مرتبط، اسناد مرتبط و بالادستی جمع آوری گردید. همچنین رساله ها، مقالات، مصاحبه و سایر مکتوب های مرتبط جمع آوری و مورد بررسی قرار گرفت. در بخش مصاحبه نیمه ساختار یافته با روش هدفمند، به مسئولان نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها و سپس گروه معارف دانشگاه اصفهان و یزد و چندین دانشگاه دیگر رجوع شد و با شناسایی اساتید و مدرسین خبره و با سابقه دروس معارف، نمونه های مورد نظر به تعداد ۳۸ نفر انتخاب گردیدند. طی مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۲۸ نفر از نمونه ها، پس از کسب اطمینان از این که پاسخ های مصاحبه شوندگان تکراری شده، کفایت نمونه اثبات و اطلاعات جمع آوری شده به حد اشباع و کفایت لازم رسید. همچنین تعداد ۶ نفر از اساتید و خبرگان برنامه ریزی درسی در دانشگاه ها که در زمینه دروس مذکور اطلاعات مفیدی داشتند نیز انتخاب و با آنها مصاحبه بعمل آمد. همانطور که از جدول مشخصات اساتید مصاحبه شونده پیدا است (جدول شماره یک)، در این پژوهش سعی شده نمونه ها به گونه ای انتخاب شوند که به لحاظ سابقه تدریس، پر سابقه باشند و از طرفی روحانی و غیر روحانی در نمونه وجود داشته باشد. توزیع منتخبین نیز از هر دو دانشگاه مذکور باشد.

جدول شماره ۱. نتایج جمعیت شناختی اساتید مصاحبه شونده (به نفر)

ردیف	مرتبه علمی	دانشگاه	دانشکده و گروه	روحانی	جنسیت
۱	استادیار ۲۳	اصفهان ۲۰	الهیات و معارف اسلامی ۲۲	روحانی ۱۰	آقا ۳۱
۲	دانشیار ۲	یزد ۱۰	علوم تربیتی و روانشناسی ۷	غیر روحانی ۲٤	خانم ۳
۳	استاد تمام ۵	پزشکی ارومیه ۱	علوم جغرافیایی، برنامه ریزی۱	---	---
٤	سایر(مدرس) ٤	آزاد یزد ۳	علوم پزشکی ۱	---	---

۵	---	---	نهاد نمایندگی و سایر ۳	---	---
جمع	۳٤	۳٤	۳٤	۳٤	۳٤

در مورد انتخاب دانشجویان در دو دانشگاه اصفهان و یزد (روزانه و نوبت دوم)، آنهایی که عمده دروس معارف را گذرانده و توانایی نقد منصفانه دروس مذکور را داشتند توسط اساتید و مسئولان گروه های معارف معرفی و به تعداد ۴۸ نفر انتخاب شدند. علاوه بر این، در هنگام مشاهده کلاس ها، دانشجویانی با ویژگی های مذکور مورد شناسایی و برای مصاحبه انتخاب شدند. از بین نمونه های در نظر گرفته شده، پس از مصاحبه با **۳۲** نفر دانشجو و کسب اطمینان از این که پاسخ های مصاحبه شوندگان تکراری شده، کفایت نمونه اثبات و اطلاعات جمع آوری شده به حد اشباع و کفایت لازم رسید. در این پژوهش سعی شده تا نمونه ها به گونه ای انتخاب شوند که از بین بیشتر رشته ها و از هر دو دانشگاه یاد شده و همچنین دانشجویان آقا و خانم به نسبت مناسب وجود داشته باشد. این ویژگی ها از جدول زیر قابل برداشت است.

جدول ۲. نتایج جمعیت شناختی دانشجویان مصاحبه شونده(به نفر)

ردیف	ترم	دانشگاه	رشته تحصیلی	جنسیت
۱	دوم ۲	اصفهان ۱۲	نقشه برداری ۲	آقا ۱۷
۲	چهارم ۳	یزد ۱۳	برق و رایانه ۵	خانم ۱۵
۳	ششم ٦	میبد ۷	ماشین های ریلی، معدن و مکانیک ٤	---
٤	هفتم ۱	---	شیعه شناسی، فلسفه، قرآن، حدیث و نهج البلاغه ۹	---
۵	هشتم ۹	---	حسابداری و بازرگانی ۳	---
٦	ترم آخر ۳	---	روانشناسی و حقوق ٦	---
۷	فارغ التحصیل اخیر ۸	---	زیست شناسی، علوم ورزشی و مهندسی پزشکی ۳	---
جمع	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲

اعتباریابی مصاحبه‌ها: برای دقت واعتبار مصاحبه ها اعم از مصاحبه با اساتید و خبرگان برنامه ریزی درسی، یا مدرسین دروس معارف و مسئولان نهاد در دانشگاه و همچنین دانشجویان منتخب دروس معارف، سیر مصاحبه ها با ترتیب منطقی زیر انجام گرفت:

در مرحله اول مصاحبه مقدماتی با برخی از خبرگان برنامه ریزی درسی در آموزش عالی، مصاحبه با تعدادی از اساتید صاحب نظر دروس معارف و همچنین مصاحبه با مسئولان نهاد در

چندین دانشگاه انجام گرفت و ضمن جمع آوری اطلاعات اولیه و مشاهده کیفی و میدانی، مقدمات کار فراهم گردید. برای مرحله دوم سوالات نیمه ساختار یافته در فرم مصاحبه اولیه تنظیم و برای نمونه و استحکام مصاحبه، با چند نفر از خبرگان مرتبط با برنامه ریزی درسی و اساتید دروس معارف در دانشگاه ها مصاحبه بعمل آمد.

در مرحله سوم اشکالاتی که به نظر می رسید و طی مصاحبه آزمایشی به آن پی برده شده بود برطرف و سولات مصاحبه و سایر اقدامات مرتبط اصلاح گردید. برای مرحله چهارم با اساتید و مدرسین دروس معارف و همچنین خبرگان برنامه ریزی درسی و دانشجویان منتخب، با تعیین وقت قبلی مصاحبه جامع و دقیق نیمه ساختاریافته بعمل آمد و با کسب اجازه از ایشان و برای دقت در ثبت نظرات، مصاحبه ها ضبط گردید. در مرحله پنجم مصاحبه ها با دقت پیاده و تایپ گردید؛ و سپس متن پیاده شده برای مصاحبه شونده- به منظور تطبیق مطالب پیاده شده با آنچه مورد نظر ایشان در مصاحبه بوده و گرفتن نظر نهایی مصاحبه شونده- ارسال و تأیید نهایی ایشان گرفته شد.

برای مقوله بندی، ابتدا مصاحبه های پیاده شده، باعنایت به سوالات مصاحبه و سولات اصلی پژوهش توسط محقق موضوع بندی گردید. در مرحله بعد کلیه پاسخ های مصاحبه شوندگان در هر دو بخش اعضای هیأت علمی و دانشجویان برای هر سوال اصلی پژوهش در فرم مخصوصی جمع بندی و مقوله بندی (نام گذاری اولیه مقوله ها) و طبقه بندی آن ها توسط محقق با روش مطالعه مکرر و موضوع بندی صورت گرفت.

برای دقت بیشتر، مقوله بندی ها در اختیار یکی از دانش آموختگان دوره دکتری رشته برنامه ریزی درسی قرار گرفت تا ضمن بررسی بیشتر چنانچه مقوله ها نیاز به اصلاح دارد، اصلاح شود. پس از اصلاحات لازم، مقوله ها مجدداً در اختیار یکی از اساتید برجسته برنامه ریزی درسی که عضو هیأت علمی و استاد تمام این رشته هستند قرار گرفت و ایشان نیز با دقت مقوله ها را بررسی و اصلاحات لازم را متذکر می شدند. هم زمان مقوله ها در اختیار استاد مشاور- متخصص و مدرس دروس معارف اسلامی قرار داده می شد تا نظرات ایشان نیز در مقوله بندی ها اعمال گردد. در مر حله نهایی مقوله ها اصلاح گردید و برای توضیح مورد استفاده قرار گرفت.

روش های تجزیه و تحلیل داده ها: در این پژوهش که رویکرد کیفی است، تحلیل و تفسیر اطلاعات و داده ها پس از مقوله بندی، با روش تحلیل محتوی کیفی و تفسیر اساسی داده ها انجام

شد. مطالعه تفسیری اساسی، رایج ترین نوع پژوهش کیفی است که در بسیاری از حوزه های علمی از جمله تعلیم و تربیت به کار گرفته می شود (رضویه، ۱۳۹۳: ۲۸۳). بدین ترتیب که ابتدا مقوله ها با شماره مصاحبه شونده در جدولی گردآوری و سپس فراوانی هریک از مقوله ها مشخص گردید. جمع بندی، رتبه بندی و نتیجه گیری نهایی نیز بر مبنای عناوین مقولات و فراوانی هر کدام توسط محقق انجام گرفت. برای درک بهتر خواننده و مستند سازی، عین اظهار نظر برخی از مصاحبه شوندگان به عنوان نمونه در ذیل هر مقوله آورده شده است.

در نهایت با مقایسه بین نظرات اساتید معارف و دانشجویان مقایسه موضوع (مقوله) نیز بعمل آمد تا خواننده به هماهنگی یا تفاوت نظر اساتید و دانشجویان نیز واقف گردد. در مرحله آخر نتایج حاصله با پژوهش های قبلی که برخی از آن ها در این مقاله به آن ها استناد شده مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین از نرم افزارهای رایج بویژه Word و Maxqda برای دسته بندی و سازماندهی مصاحبه ها و مقوله ها استفاده گردید. لکن مقوله بندی ها همانگونه که توضیح داده شد، توسط محقق انجام شده است.

سؤال پژوهش

این پژوهش فقط یک سؤال دارد. دلایل و ضرورت های ارائه دروس معارف اسلامی (مبانی نظری اسلام) در دانشگاه ها چیست؟ به بیان دیگر، با چه منطق و ضرورتی لازم است دانشجویان دروس معارف اسلامی را بگذرانند؟

یافته‌های پژوهش

در پاسخ به سؤال پژوهش، یافته ها در دو بخش ارائه می‌شود؛ بخش اول مصاحبه با اعضای هیئت علمی و در بخش دوم یافته های مصاحبه با دانشجویان و در نهایت جمع بندی هر دو بخش گزارش می گردد.

بخش اول یافته‌های مصاحبه با اعضای هیئت علمی

در مصاحبه با اعضای هیئت علمی، مصاحبه شوندگان در خصوص منطق و ضرورت ارائه دروس معارف اسلامی دانشگاه ها به موارد متعددی اشاره کرده اند که در پنج مقوله به شرح زیر دسته بندی شده است:

۱- معرفت افزایی و استحکام بخشی بنیادهای فکری و اعتقادی دانشجویان

۲- ارتقاء سبک و سطح زندگی دانشجویان

۳- هماهنگی با نظام آموزشی جهانی

۴- ارتباط دانشجویان با عالمان دین

۵- پیاده سازی اسناد بالا دستی و اسلامی سازی دانشگاه ها

در ادامه، توضیحاتی در باره هر یک از مقوله های مذکور و زیر مقوله های مرتبط ارائه می‌گردد:

مقوله اول: معرفت افزایی و استحکام بخشی بنیادهای فکری و اعتقادی دانشجویان

مصاحبه شوندگان با تاکید بر اهمیت دروس معارف مهم ترین دلیل و ضرورت ارائه این دروس را معرفت افزایی؛ و استحکام بخشی بنیادهای فکری و اعتقادی می دانند. در ادامه نظرات مصاحبه شوندگان در سه زیر مقوله توضیح داده می شود.

۱. تثبیت، اصلاح و ارتقاء آموزش تربیت دینی و رفتاری در زمینه های فردی و شغلی دانشجویان

این موضوع با ۱۶ بار تکرار بیشترین فراوانی را داشته است. در پاسخ های مصاحبه‌شوندگان ابتدا تثبیت و اصلاح آنچه دانشجویان تا کنون و در مقاطع تحصیلی قبلی خوانده اند مد نظر بوده و سپس بر تداوم و ارتقاء آموزش تربیت دینی و رفتاری در زمینه های فردی و شغلی دانشجویان تأکید شده است. به عنوان نمونه، در زمینه شکل دهی به شخصیت حقیقی و حقوقی انسان، مصاحبه شونده شماره هشت اظهار داشت:" به دو دلیل بایستی(دروس معارف) باشد، یک خود فرد و یکی هم به خاطر تخصصی که دارد پیدا می‌کند."

مصاحبه شونده ۱۸ در خصوص ضرورت ارائه دروس معارف و اهمیت و کارکرد آن تأکید داشت، این دروس در راستای تربیت انسان های متخصص در تراز جمهوری اسلامی ارائه می‌شوند. مصاحبه شونده ۲۴ استاد تمام هیات علمی گروه معارف در همین زمینه اظهار داشت:" دو نوع آموزش در دانشگاه ها ضرورت پیدا می‌کند؛ آموزش فرد برای تقبل وظیفهٔ خاصی در راستای رشتهٔ اختصاصی خودش به مثابهٔ یک متخصص؛ دوم، تربیت فرد برای تقبل شان عمومی اجتماعی به مثابهٔ یک انسان مسئول و ارزش محور."

۲. هدایت فکری، شبهه زدایی، مقابله با جنگ نرم و هویت بخشی

این زیر مقوله با شش بار تکرار نکته مهم دیگری است که مورد توجه مصاحبه شوندگان بوده است. در این خصوص مصاحبه شونده شماره پنج معتقد است:"خیلی از شبهات سر کلاس گروههای معارف داره جواب داده می‌شود." مصاحبه شونده شماره هفت از اعضای جوان گروه معارف نیز اظهار می‌دارد:

در عصر حاضر اهمیت این درس ها بیشتر است. آن شبهه افکنی ها و جنگ نرمی که صورت گرفته و حضرت آقا روی آن تأکید داشتند، خیلی نقش گروه های معارف را پررنگ تر می‌کند که ما اینجا بتوانیم حداقل دانشجو ها را آگاه کنیم و آن مباحث را خنثی کنیم و دانشجو ها روشن بشوند که این مباحث چه جوری هست و به شبهاتشان در حد توان خودمان در کلاس پاسخ بدهیم.

مصاحبه شونده شماره ۱۸ در خصوص انگیزه و ضرورت دروس معارف و اینکه دانشجوها باید کسب معرفت دینی، فلسفی، تاریخی و انقلابی داشته باشند بیان می‌کند:" خواستگاه اصلی دروس معارف دوتا انگیزه پشتش بود. یکی اینکه این بچه ها از تعالیم دینی به معنای واقعی همراه با استدلال، همراه با محتویات و فضاهای خاص قرآنی و عبادی آشنا بشوند و یکی هم در کنارش الگوهایی را از نزدیک مشاهده بکنند. در کنار اینها ... اساساً ما باید به نسل دانشگاهی‌مان ضرورت انقلاب را بیان کنیم."

۳. بینش سازی و درک فلسفه خلقت

این مورد آخرین زیر مقوله ای است که در بیان سه نفر از مصاحبه شوندگان آمده است. از جمله مصاحبه شونده شماره یک به این مسئله تاکید داشت، در دوره دانشگاه دروس معارف

رسالت سنگینی بر عهده دارند و نباید به دنبال دانش افزایی صرف باشند؛ بلکه رسالت این دروس نگرش و بینش ساز بودن آنها می‌باشد. دروس معارف با این ضرورت ارائه می‌شوند که به دانشجویان و جوانان نگرش بدهد و خلاء های اعتقادی و رفتاری آنها را جبران نماید. و بالاتر از آن بنیان های فکری- اعتقادی آنها را استحکام ببخشد.

مصاحبه شونده شماره هشت معتقد است، نیاز و ضرورت زندگی انسان ها این است که قبل از هر چیزی، هدف از آفرینش و خلقت خودشان را بدانند. اگر انسان هدف از خلقت را فهمید جور دیگری به زندگی نگاه می‌کند. رویکرد و مواجهه با مشکلات زندگی و تعاملات اجتماعی با درک فلسفه خلقت معنی دیگری پیدا می‌کند و عالمانه تر حل و فصل می‌گردد؛ و این مهم از عهده دروس معارف بر می آید و از ضرورت های ارائه این دروس است.

مقوله دوم: ارتقاء سبک و سطح زندگی دانشجویان

مصاحبه شوندگان بعد از مقوله اول، ارتقاء سبک و سطح زندگی دانشجویان را مهم می دانند. نظرات مصاحبه شوندگان در این خصوص در سه بخش زیر توضیح داده می شود.

۱. برآورده کردن نیازهای عمومی، معنوی، رفتاری و دفع ضرر از تمام دوران زندگی

این موضوع با یازده بار تکرار نکته قابل توجهی است که اهمیت و ضرورت ارائه دروس معارف را می‌رساند. مصاحبه شونده شماره یک در زمینه معنوی کردن رفتار و زندگی بیان می‌دارد:

بحث معنای زندگی[1]، در ده، پانزده سال اخیر در جهان خیلی مطرح است. به عبارتی ما چگونگی زندگی داریم و چرایی زندگی؛ دانشگاه ها در دروس معمولیشان مثل فیزیک، شیمی، زیست شناسی، ریاضیات و حتی بسیاری از علوم انسانی، چگونگی زندگی را می گویند. خوب حالا این چرایی زندگی را از کجا باید یاد بگیریم؟ اگر واقعا معنای زندگی را بدانیم، مشکلات دنیا امروز که جهان را تهدید می‌کند مثل پوچی و خود کشی و اینها، حالا می‌تواند اینجا دروس معارف این بحث چرایی زندگی را تبیین بکند.

1. meaning of life

مصاحبه شونده شماره ۲۴ استاد تمام گروه معارف اذعان داشت:" یک دانش آموخته دانشگاه در طول ۲۴ ساعت شبانه روز حداکثر هشت ساعت در ارتباط با دروس اختصاصی رشتهٔ خود درگیر است، اما بقیهٔ ساعات زندگی‌اش مصروف روابط انسانی مبتنی بر باورها و نظام ارزشی است؛ مضافاً اینکه، جهت و مسیر آن هشت ساعت فعالیت علمی در رشته اختصاصی فرد نیز تحت تأثیر همین باورها و نظام ارزشی اوست."

۲. آموزش و مهیا کردن فرد برای پذیرش عالمانه مسئولیت های عمومی اجتماعی

این نکته نیز موضوع مهم دیگری است که مصاحبه شوندگان شماره های ۲۰ و ۲۴ به آن توجه داشته اند. به عنوان نمونه (شماره ۲۰)، عضو هیأت علمی خانم گروه معارف معتقد است، نهادهای اجتماعی هرکدام کارکرد خاص خودشان را دارند. دین و اعتقادات دینی نیز کارکردهایی دارند که اگر جامع و کامل بررسی شود کارکردهای وسیع تر و عمیق تری از آنها دیده می شود.

مصاحبه شونده شماره ۲۴ معتقد است، اگر یکی از مأموریت های نظام آموزش عالی و دانشگاه ها را خدمت به جامعه بدانیم، پس باید آموزش عالی و دانشگاه بتوانند دانشجویان و مسئولان آینده جامعه را برای این مهم آماده کنند. دانشجویان با گذراندن دروس تخصصی برای موضوعی که در آن آموزش می بینند متخصص می‌شوند و با یاد گرفتن دروس عمومی بویژه معارف برای بعد دیگری از پذیرش مسئولیت های اجتماعی، مسئولیت پذیر می‌شوند. تعهد و تخصص دو بال پذیرش عالمانه مسئولیت های اجتماعی است.

۳. پیشگیری و درمان بحران های گوناگون انسان های معاصر

این موضوع نکته دیگری است که مصاحبه شونده شماره یک، عضو هیات علمی گروه معارف به آن توجه داشته و در همین زمینه اذعان داشت:

امروزه یکی از مشکلات تمدن مدرن همین است که یک تمدن منهای حکمت، منهای مبانی فکری و نگرش ها وجود دارد. در این تمدن انسان ها راه را گم می کنند. راه که گم شد، جنگ جهانی درست می شود، طلاق بالا می رود، ناسازگاری زناشویی می شود، تخریب محیط زیست می شود، خود کشی می شود، مصرف داروهای روان گردان بالا می رود، هرج و مرج جنسی می

شود، زیر بنای همه این ها چیست؟ همون گم شدن چرایی زندگی است، مبانی فکری و امروز جهان دارد به این سمت می رود که دانش بدون حکمت، بحران ساز است.

مقوله سوم: هماهنگی با نظام آموزشی جهانی

هشت نفر از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که دروس عمومی و معارف خاص کشور ما نیست و در بسیاری از کشورها بوده و هست. حتی ایشان بیان می داشتند دروس عمومی مهم تر از دروس اختصاصی است. به همین دلیل نباید نگاه ما به دروس معارف برداشتی خاص و ویژه- از این جهت که فقط در کشور ما وجود دارد- باشد. مصاحبه شونده هفت یکی از اعضای جوان گروه معارف اظهار می‌دارد:" تا آنجایی که من یک بررسی اجمالی کردم، در کل دنیا آموزش دینی (religious education) مرسوم است و در دانشگاه ها وجود دارد، فقط حالا کیفیتش، کمیتش، ساز و کارش متفاوت هست و خاص کشور ما نیست."

در همین راستا مصاحبه شونده شماره ۱۵روحانی مدیر گروه معارف بیان می‌کند:"اینکه دروس معارف و مباحث عقیدتی وجود داشته باشد هیچ شکّی در آن نیست. این مطلب در سایر کشورها هم وجود دارد، این ضرورت این دروس را می‌رساند."

مقوله چهارم: ارتباط دانشجویان با عالمان دین

برخی مصاحبه شوندگان(با چهار بار فراوانی)، ضرورت ارائه این دروس را ارتباط دو سویه و عمیق بین دانشجویان و عالمان دینی می دانند. از مصاحبه با اعضای هیأت علمی گروه معارف اینگونه استفاده می شود که اصلاً فلسفه وجودی گروه و دروس معارف و به تبع آن حضور روحانیون در دانشگاه ها این بوده است که دانشجویان به روحانیون دسترسی و حشر و نشر داشته باشند. دانشجویان بتوانند از نزدیک رفتار روحانیون را دیده و الگو برداری کنند. مسایل و مشکلاتشان را مستقیم و از نزدیک مطرح و درس و پاسخ بگیرند.

مصاحبه شونده شماره پنج روحانی مسئول نهاد دانشگاه در این زمینه بیان می‌کرد:" فلسفه گروه معارف این است که بچه های ما با روحانی با مبلغ دینی ارتباط داشته باشند و در واقع آنچه که نیاز دارند در باره معارف دینی از روحانی بگیرند." مصاحبه شونده شماره ۱۸ روحانی عضو هیأت علمی، باسابقه مدیر گروهی معارف، در این خصوص اظهار داشت:" در کنار آموزش، با

اعزام انسان های فرهیخته، روحانیون جا افتاده و اخلاق مدار به دانشگاه ها یک الگویی از یک انسان اسلامی هم به دانشجویان ارائه بدهیم."

نکته دیگر ارتباط استاد، روحانی و مدرس دروس معارف در هر ترم به طور مستمر با دانشجویان است. مصاحبه شونده شماره ۲۳ از اعضای با سابقه هیأت علمی دانشگاه در امر تدریس و ارتباط با دانشجویان، در خصوص اهمیت و کارکرد ارتباط دلی با دانشجویان اظهار داشت:"معتقد بودم دانشجو، چهار سال تمام هفته ای دو ساعت با استاد معارفی همسو باشد." وی همچنین معتقد بود که استاد و مدرس معارف حیطه عمل کلاسش فقط ساعات موظفی و مکان کلاس نیست.

مقوله پنجم: پیاده سازی اسناد بالا دستی و اسلامی کردن دانشگاه ها

این موضوع آخرین مقوله ای است که با چهار بار فراوانی در پاسخ مصاحبه شوندگان آمده است. از بیان ایشان استفاده می شود که شورای عالی انقلاب فرهنگی با رسالت و مسئولیت هدایت فکری- فرهنگی جامعه، متشکل از فرهیختگانی است که بنا به ضرورت و نیازهای جامعه مصوباتی دارند که بعنوان قانون و اسناد بالادستی لازم الاجراء است. از جمله تدابیر و مصوبات این شورا، مباحث مرتبط با نظام آموزش عالی و دروس دانشگاه ها و مخصوصاً دروس معارف اسلامی است. با این نگاه که اسناد بالادستی نتیجه تجارب، ضرورت ها و برای رفع نیاز های جامعه تهیه می‌شوند و حاصل بررسی های عمیق و دقیق کارشناسان و خبرگان و متخصصین است؛ پس یکی از ضرورت های تأسیس و ارائه دروس معارف اسلامی عمل به قانون و اسناد بالا دستی می‌باشد.

موضوع بعدی اسلامی شدن دانشگاه هاست. بعد از وقوع انقلاب اسلامی بسیاری از نگاه های دور اندیش و دلسوز جامعه به سمت دانشگاه معطوف گشت. دانشگاه ها تا قبل از پیروزی انقلاب منشأ بخشی از تحولات انقلابی بود و بعد از پیروزی انقلاب این نقش پررنگ تر می شد. اسلامی سازی دانشگاه ها بحث مهمی بود که بعد از انقلاب اسلامی بصورت پراکنده و با تشکیل شورایعالی انقلاب فرهنگی بصورت برنامه ریزی شده در دستور کار جریان انقلابی کشور قرار

داشت و هنوز هم ادامه دارد. از همین جا ضرورت تأسیس و ارائه دروس معارف اسلامی در راستای تحقق این رسالت مهم آشکار می‌گردد.

مصاحبه شونده شماره سه (عضو هیأت علمی گروه معارف)، در این زمینه اظهار می‌دارد:" اما اینکه دروس معارف چقدر ضرورت دارد، تاریخش را که نگاه بکنیم؛ بالاخره انقلاب اسلامی شده و دانشگاه هم باید اسلامی بشود. معارف دینی هم می خواهیم و کلاس معارف اسلامی باید بگذاریم."

بخش دوم یافته های مصاحبه با دانشجویان

در مصاحبه با دانشجویان مقطع کارشناسی که دروس معارف بویژه مبانی نظری اسلام شامل اندیشه یک و دو و همچنین انسان در اسلام را گذرانده بودند، پیرامون این سوال که دلایل و ضرورت های ارائه دروس معارف در دانشگاه‌ها چیست؟ دانشجویان به موضوعاتی اشاره داشته اند که این موارد در سه مقوله به شرح زیر تدوین گردید.

۱- آموزش شناخت دین و اعتقادات

۲- تربیت و آماده سازی دانشجویان برای خدمت و زندگی (آموزش سبک زندگی)

۳- شناخت و ارتباط با اساتید معارف و عالمان دینی والگوگیری از آنان و تربیت اخلاقی

در ادامه این مقوله ها توضیح داده می شود.

مقوله اول: آموزش شناخت دین و اعتقادات

دانشجویان مصاحبه شونده با ۱۵ بار فراوانی به مقوله آموزش دین و اعتقادات توجه داشته اند. بعنوان نمونه دانشجوی نقشه برداری (شماره یک)، تقویت مبانی دینی و مرور اندوخته های قبلی را بعنوان ضرورت ارائه دروس معارف برای دانشجویان مقطع کارشناسی متذکر گردید. وی بیان داشت"معارف به نظر من آن بخشی که بیشتر راجع به دین است برایمان ضروری است".

دانشجوی مهندسی برق (شماره هشت)؛ خداشناسی را ضرورت و نیاز دانشجویان برای گذراندن دروس معارف بیان داشت. مصاحبه شونده ۱۰ دانشجوی خانم رشته حقوق در همین رابطه اظهار داشت:"قطعا برای فراموش نکردنِ اصولِ دینی و پایبندی به آنها، بحث و بررسی‌های مفید در زمینه‌های دینی و تقویت پایه های دینی و دانش دینی دانشجویان، گذراندن این دروس

لازم است. دانشجوی مهندسی معدن(۱۲) در همین رابطه بیان داشت:"دروس معارف به نظر من باید برای شناخت دانشجو در زمینه معارف وجود داشته باشد."

در همین رابطه مصاحبه شونده شماره ۲۰ دانشجوی مهندسی مکانیک اذعان داشت:"مسلماً آشنایی با معارف دینی و ارزش های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی جزو ضرورت های هر جامعه ای است تا تمدن خود را حفظ کند." دانشجوی مهندسی(۲۱) هم "جهت دهی افکارنو نسل جوان به سمت مفاهیم اسلامی" را ضرورت گذراندن دروس معارف برای دانشجویان مقطع کارشناسی بیان نمود.

مقوله دوم: تربیت و آماده سازی دانشجویان برای خدمت و زندگی(آموزش سبک زندگی)

این موضوع دومین مقوله ای است که مورد نظر دانشجویان با یازده بار فراوانی قرار گرفت. ایشان به نکته هایی از جمله اینکه دروس معارف باید به درد زندگی روزمره و مراودات اجتماعی بخورد و باید بتواند روابط اجتماعی را برای خدمت و زندگی تنظیم کند؛ اشاره داشته و این دروس را ضرورتی برای تربیت و آموزش سبک زندگی می دانند. بعنوان نمونه، مصاحبه شونده شماره سه دانشجوی نقشه برداری در همین زمینه بیان داشت:" چه زمانی دانشجویان می‌توانند بهترین خدمت را به کشور بکنند، زمانی که برای زندگی آماده بشوند، و تربیت بشوند؛ و به نظر من ضرورت ارائه دروس معارف بر همین مبنا است.

مصاحبه شونده شماره ۱۰ خانم دانشجوی رشته حقوق، ضرورت ارائه دروس معارف را تغییر جهت ذهنی دانشجویان به سمت و سوی زندگی دینی اذعان نمود. همچنین دانشجوی مهندسی کامپیوتر (شماره ۱۴) در همین رابطه اظهار داشت:"شیوه درست زندگی کردن و سبک زندگی توی دروس معارف گفته میشود؛ و دانشجو در کنار دروس تخصصی برای کار- اگر سبک زندگی را یاد نگیرد- بعدا در ورود به جامعه با مشکل بر می خورد." دانشجوی خانم روانشناسی (۱۸) نیز در همین رابطه ضرورت ارائه دروس معارف را اینگونه بیان داشت:" دروس معارف اسلامی به منظور انتقال مفاهیم اعتقادی، دینی و مذهبی به شیوه صحیح است تا درک درست افراد نسبت به این مسائل درست شود؛ و همین عوامل سبب رشد روز افزون سبک زندگی افراد در کشور اسلامی گردد."

مقوله سوم: شناخت و ارتباط با اساتید معارف و عالمان دینی والگوگیری از آنان و تربیت اخلاقی

مقوله سوم، به عنوان آخرین مقوله، دانشجویان با هفت بار فراوانی به عنوان یکی از ضرورت های ارائه دروس معارف روی آن تأکید داشته اند. بعنوان نمونه دانشجوی نقشه برداری (شماره یک)، ضرورت دروس معارف را تقویت مبانی دینی و اخلاقی عنوان نمود. مصاحبه شونده شماره ۱۱ دانشجوی روانشناسی نیز تربیت اخلاقی و اصلاح دانشگاه و دانشجویان را ضرورت ارائه دروس معارف می دانست.

از بیان دانشجوی خانم علوم ورزشی (شماره ۱۵)، نیز تربیت اخلاقی بعنوان ضرورت دروس معارف برداشت می‌گردد. دانشجوی حسابداری (شماره های ۱۷) روی این موضوع توجه داشت که دروس معارف با ضرورت شناخت و ارتباط با مفاخر و بزرگان بعنوان الگوهای برتر ارائه می‌گردند. وی در همین زمینه اظهار داشت:" دروس معارف اسلامی با ضرورت ایجاد بستر مناسب برای ساختن هویت دینی و انقلابی از طریق الگو گرفتن از شخصیت های برجسته ارائه می‌گردند."

نتیجه‌گیری

در مبحث «منطق و چرایی دروس»، این پرسش بنیادین مطرح می شود که: هر درس چه ضرورتی دارد و چه نیازی را برطرف می‌کند؟ پاسخ به این پرسش، سنگ بنای سایر مراحل و عناصر برنامه ریزیِ درسی است. چنانچه این عنصر مهم، در خصوص هر درسی بخوبی، درک و سنجیده شود، آن گاه «اهداف، محتوا، روش، ارزشیابی» و سایر مراحل آموزش و یادگیری، هماهنگ با این اصل، پی ریزی خواهد شد[1]. تلاش محقق در این مقاله این بود تا لایه های پنهانِ نظر اساتید و دانشجویان را در بارهٔ این عنصرِ بنیادین استخراج و مدون نماید.

---

۱. **نکتهٔ مهم**: در همین راستا، یعنی در بارهٔ چگونگیِ تأثیر این عنصرِ مبنایی بر سایر عناصر برنامه ریزی درسی (مثل: «تعیین اهداف»، «سازماندهی و انتخاب محتوای مناسب»، «راهبردها و روش های تدریس»، «مواد و منابع مناسب و هماهنگ»، «ویژگی های مدرسین دروس معارف»، «زمان و مکان مناسب آموزش دروس معارف»، «سنجش و ارزشیابی») توسط نگارنده،

در ارتباط با اهمیت و جایگاه منطق و ضرورت ارائه دروس بویژه دروس عمومی و معارف اسلامی، به عنوان عنصر اولیه و مبنایی برای برنامه ریزی درسی، یافته های پژوهش با نتایج پژوهش های ذکر شده از جمله محمودی (۱۳۹۶)، خوشی (۱۳۹۲)، فتحی واجارگاه (۱۳۸۹) و راتکلیف (۱۹۹۲)، همخوانی دارد.

با بررسی نظرات اساتید دروس معارف اسلامی و دانشجویانی که در این کلاس ها حضور داشته اند، مقوله های مورد نظر آنان به تر تیب اولویت در جدول شماره ۳ ارائه شده است:

جدول ۳. مقوله‌های مورد نظر اساتید و دانشجویان

نظر اساتید دروس معارف اسلامی	نظر دانشجویان کلاس های معارف اسلامی
۱- معرفت افزایی و استحکام بخشی بنیادهای فکری و اعتقادی دانشجویان ۲- ارتقاء سطح زندگی دانشجویان ۳- هماهنگی با نظام آموزشی جهان ٤- ارتباط دانشجویان با عالمان دین ۵- پیاده سازی اسناد بالا دستی و اسلامی سازی دانشگاه‌ها	۱- آموزش شناخت دین و اعتقادات ۲- تربیت و آماده سازی دانشجویان برای خدمت و زندگی (آموزش سبک زندگی) ۳- شناخت و ارتباط با اساتید معارف و عالمان دینی والگوگیری از آنان و تربیت اخلاقی

اساتید دروس معارف، «معرفت افزایی و استحکام بخشیِ بنیادهای فکری و اعتقادی» را بعنوان مهمترین ضرورت ارائه دروس معارف اسلامی برگزیدند و در مقابل دانشجویان، «آموزش مبانی دینی، بینشی، اعتقادی و شناخت و تربیت دینی» را مهمترین ضرورت برای دریافت معارف اسلامی بیان داشتند. گرچه ادبیات این دو مقوله متفاوت است، اما با اندکی اغماض معنی و مفهوم مورد نظر هر دو گروه یکی می‌باشد. پس در مورد مقوله اول گرچه فراوانی و تأکید اساتید بیشتر از دانشجویان است، اما هر دو گروه، «معرفت افزایی و آموزش دینی- اعتقادی» را در صدر اولویت و اهمیت ضرورت ارائه دروس معارف می دانند.

تحقیقات متعددی به عمل آمده که (ان شاءالله) بروندادها و مقالات آن به زودی ارائه خواهد شد.

بر همین اساس، نگارنده در پژوهش ها و نوشتارهایی دیگر، نشان داده است که این اولویت (و اولویت های بعدی)، چگونه باید در «اهداف» و «محتوا» ی دروس و نیز در «راهبردها و روش ها» ی تدریس و ارزیابی، منعکس و متجلی گردد.

جالب آن که این یافتهٔ پژوهش با آموزه های قرآنی، سخنان امام خمینی (۱۳۵۶)، منویات رهبری (۱۳۸۹و ۱۳۹۳)، مصوبات شورایعالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۳ و ۱۳۹۰)، سند اسلامی سازی دانشگاهها (۱۳۹۲) و نتایج پژوهش قربانی و ابوالحسنی (۱۳۹۹)، قیوم‌زاده(۱۳۹۷) و سارگلو(۲۰۱۰) که به عنوان نمونه در بخش پیشینه پژوهش ذکر شد، و تحقیقات بسیار دیگر همخوانی دارد.

دومین مقوله مورد تأکید اساتید دروس معارف، «ارتقاء سطح زندگی» است. دانشجویان نیز با ادبیات و بیانی متفاوت، «تربیت و آماده سازی دانشجویان برای خدمت و زندگی و آموزش سبک زندگی» را مهم و ضروری می دانند. در مورد این مقوله نیز گرچه ادبیات متفاوت است، اما نظر اساتید دروس معارف و دانشجویان در یک راستا قرار می گیرد.

توقع این است که وقتی دانشجویی ده درصد از وقت آموزشی دوران کارشناسی خود را در کلاس های معارف می گذراند، به همین میزان، نیازهای معرفتی و معنوی و رفتاری او برآورده شود و به همان میزان برای پذیرش عالمانهٔ مسئولیتهای اجتماعی آماده تر گردد. وگرنه می‌تواند این همه کوشش ها و آموزش ها، از مصادیق علوم بی ثمر و غیرنافع به حساب آید. همچنان که در ادعیه اسلامی آمده است: «اللهم انی اعوذُ بکَ مِن علمٍ لاینفَع». محمد طوسی، مصباح المتهجد. این یافته نیز با پژوهش های قبلی ذکر شده از جمله پژوهش حسینی کریمی و ضابط پور (۱۴۰۰)، قیوم زاده (۱۳۹۷) و شنفیلد (۲۰۱۶) هماهنگی دارد.

مقوله سوم مورد نظر اساتید دروس معارف، «ضرورت ارائه هماهنگ دروس دانشگاهی و معرفتی با نظام آموزشی جهانی» می‌باشد. این موضوع اصلاً مد نظر دانشجویان نبوده و به آن اشاره ای نداشته اند. می توان اینگونه برداشت نمود که اساتید، آگاهی گسترده تری به دروس معارف دارند. این موضوع وقتی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که بخواهیم فارغ التحصیلان را در مقیاس جهانی و در مقایسه با سایر کشورها رشد و آموزش دهیم.

مقوله دیگری که مورد نظر اساتید دروس معارف بود، «ارتباط دانشجویان با عالمان دینی» است. این موضوع با سومین مقوله مورد نظر دانشجویان که «شناخت و ارتباط با اساتید معارف و عالمان دینی و الگوگیری از آنان و تربیت اخلاقی» است، همخوانی دارد. در این مقوله، هم اساتید مُصرّند با دانشجویان در همه دوران کارشناسی ارتباط داشته باشند و هم دانشجویان ارتباط با اساتید را مفید می دانند. اساساً برخی فلسفه دروس معارف را ارتباط دانشجویان با عالمان فرهیخته و اخلاق مدار می دانند.

بسیاری محققان، به درستی بهترین روش تعلیم و تربیت دینی و اخلاقی را روش «الگومحوری» می دانند. از منظر آموزه های دینی، گاهی برتری عمل، برای تربیت و آموختن، از بیان و ارائه استدلال و منطقی حرف زدن، بالاتر و مؤثرتر است. سیره عملی پیامبر اسلام- صلی الله علیه و آله و سلم- و ائمه بزرگوار- صلوات الله علیهم اجمعین- بیشتر بر مبنای ارتباط عمیق قلبی، عاطفی و براوردن حوایج در جذب و تربیت افراد بوده است و وجود شریف ایشان کمتر جلسات یکطرفه وعظ، استدلال و بیان برهان داشتند. گاهی نشست و برخاست با یک عالم فرهیخته اخلاق مدار و صاحب نفس، از ده ها ساعت وعظ و برهان و استدلال، کارآمد تر است. از دیدگاه برنامه ریزان درسی و متخصصان تعلیم و تربیت نیز اثر آموزش پنهان، ناشی از آنچه استاد و مدرس بیان نمی‌کند ولی انجام می دهد، بیشتر است.

در این مورد بین نظر اساتید و دانشجویان مصاحبه شونده به عنوان ضرورت ارائه دروس معارف هماهنگی وجود دارد. به بیان دیگر اساتید دروس معارف و دانشجویان مصاحبه شونده روی ارتباط و شناخت عالمان و مفاخر دینی و الگو دهی و الگو گیری در این زمینه هم نظرند. این موضوع نیز با آموزه های دینی و سیره پیابر و ائمه- علیهم صلوات الله- و نتایج مرتبط و مورد بررسی پژوهش بویژه فرمایشات حضرت امام خمینی (ره)(۱۳۵۶) و رهبر معظم انقلاب (۱۳۹۳) هماهنگی داشته و با یافته پژوهش های قیوم زاده (۱۳۹۷)، مشکات (۱۳۸۵) و پانتیک و ووبلز (۲۰۱۲)، هماهنگ است.

آخرین مقوله ای که فقط مورد نظر اساتید دروس معارف اسلامی قرار گرفت، پیاده سازی اسناد بالا دستی و اسلامی سازی دانشگاه ها بود. در این مورد دانشجویان نظری نداشتند. طبیعی است که اساتید دروس معارف توجه ویژه تری نسبت به این امور دارند. پر واضح است که وقتی

اسناد بالادستی مرتبط با اسلامی سازی دانشگاه ها توسط افراد خبره و با کار کارشناسی دقیق و منطبق بر نیازهای واقعی تدوین شده باشد، باید هم یکی از ضرورت های ارائه دروس معارف اسلامی از دیدگاه اساتید دروس معارف باشد. اساساً فلسفه ارائه دروس معارف، تربیت دینی دانشجویان به عنوان مقدمه اسلامی سازی دانشگاه ها می‌باشد. البته نباید امر مهم اسلامی سازی دانشگاه ها را منحصر در فعالیت های نهاد، گروه معارف و دروس معارف اسلامی دانست. یافته های پژوهش در این موضوع نیز با اسناد بالادستی بویژه منویات امامین انقلاب (۱۳۵۶ و ۱۳۹۳) و مصوبات شورایعالی انقلاب فرهنگی در خصوص ضرورت ارائه دروس معارف اسلامی (۱۳۸۳ و ۱۳۹۰) و سند اسلامی سازی دانشگاه ه ها (۱۳۹۲)، همخوانی دارد.

مهم ترین دستاورد این پژوهش، نگاه به دروس معارف اسلامی از منظر برنامه ریزان و دخالت دادن عناصر برنامه ریزی درسی در امر برنامه درسی می‌باشد[1]. همچنین مطالعه و مقایسهٔ دیدگاه اساتید و دانشجویان این دروس، در بارهٔ به تک تک عناصر برنامه ریزی درسی، کاری نو و بدیع و بدون پیشینه است.

بر همین مبنا، در پایان پیشنهاد می‌گردد: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه و گروه معارف اسلامی، کمیته یا کارگروهی را مرکب از نماینده نهاد، نماینده گروه معارف (استاد متخصص)، نماینده دانشجویان، تحت نظارت متخصص برنامه ریزی درسی، تشکیل داده و دروس معارف اسلامی را با توجه به منطق، چرایی و ضرورت ارائه این دروس، مورد بازنگری و برنامه ریزی مجدد، قرار دهند. در این فرآیند، یافته های این پژوهش (که خلاصهٔ آن در جدول شماره یک آمده است) می‌تواند به عنوان یکی از پله های نخستین در پیشِ گامهای کمیتهٔ مذکور قرار گیرد.

بدیهی است چنانچه عنصر «منطق و چراییِ ارائه هر درس» بویژه دروس معارف اسلامی، به درستی در برنامه ریزی درسی دیده شود، ضمن جهت دهی به سایر عناصر و مراحل برنامه ریزی درسی، انگیزه و رغبت لازم را در اساتید درس و دانشجویان فزونی می بخشد.

---

۱ . همان گونه که قبلاً ذکر شد در این مقاله فقط موضوع ضرورت و چرایی ارائه دروس معارف بررسی شده و سایر عناصر در مقاله های مستقل دیگری مورد بررسی قرار گرفته است.

فهرست منابع

بازرگان، عباس (۱۳۹۵). **مقدمه ای بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته**، چاپ ششم، تهران: دیدار.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). **مفاتیح الحیات**، قم: مرکز نشر اسراء.

حسینی کریمی، سیدباقر و ضابطپور کاری، غلامرضا (۱٤۰۰). تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش و انگیزش دینی دانشجویان (مطالعهٔ موردی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل). **پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی**، ۲٤(۲)، ۲۵۵-۲۸۰.

خامنه ای (حفظه الله)، سید علی (۱۳۸۹/٤/۲۰ و ۱۳۹۳/٤/۱۱). **(بیانات مقام معظم رهبری)**: http://farsi.khamenei.ir/

خمینی (ره)، سید روح الله (۱۳۵٦). **صحیفه نور**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۸۵). جلد ۳.

خوشی، ابوالفضل (۱۳۹۱). **تبیین و شناسایی مسائل و نیازهای دانشجویان در برنامه درسی دروس معارف اسلامی دانشگاههای شهر تهران به منظور ارائه الگوی مطلوب**. رساله دکتری: برنامه ریزی درسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

رضویه، اصغر (۱۳۹۳). **روش های پژوهش در علوم رفتاری و تربیتی**، چاپ سوم، شیراز: دانشگاه شیراز.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۳). **سایت رسمی شورای عالی انقلاب فرهنگی**، عناوین و سرفصل های جدید دروس معارف اسلامی، مصوبه جلسه ۵٤۲. http://www.sccr.ir/pages/

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲) **سایت رسمی شورای عالی انقلاب فرهنگی**، ماده واحده، مصوبه جلسه ٦۷۹، ٦۸٦ و ۷۳۵. http://www.sccr.ir/pages/ .

فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۹). **برنامه ریزی آموزش ضمن خدمت کارکنان**، چاپ ششم. تهران: سمت.

فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۹۳). **اصول برنامه ریزی درسی**، چاپ دوم. تهران: ایران زمین.

قربانی، هاشم و ابوالحسنی نیارکی، فرشته (۱۳۹۹). الگوی مقایسه ای؛ راهکاری کارآمد برای تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه ها در ساحت تبیین و دفاع از آموزه های اسلامی. **فصلنامه علمی تربیت اسلامی**، ۳۱(۱)، ۱٤۸-۱۲۷.

قیوم زاده، محمود (۱۳۹۷). حکمت ارائه دروس معارف اسلامی در دانشگاه، **نشریه آموزشی اطلاع رسانی معارف**، ۱۱۵.(بدون صفحه).

کلاین، فرانسیس (۱۹۸۵). الگوهای طراحی برنامه درسی؛ ترجمه مهرمحمدی (۱۳۹۱). **برنامه درسی: نظرگاهها، رویکردها و چشم اندازها**، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.

محمد طوسی، مصباح المتهجد، ج۱، ص ۷۵. به نقل از سایت http://hadith.net/.

محمودی، سیروس (۱۳۹٦). آسیب شناسی تربیت دینی دانشجویان از نظر اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه پیام نور، **فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**، ۷۰، ۲۱(۱)، ٤۷-٦۲.

مشکات، عبدالرسول (۱۳۸۵). از اخلاق توصیه مدار تا اخلاق ولایی و اسوه مدار، **فصلنامه علمی ـ ترویجی اخلاق**، ۵ و ٦(۲)، ۱۰۵-۱۳۷.

ملکی، حسن (۱۳۸۰). **برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)**، چاپ سوم، مشهد: پیام اندیشه.

مهر محمدی، محمود و همکاران (۱۳۹۱). **برنامه درسی نظرگاهها، رویکردها و چشم اندازها**، (ویراست دوم)، چاپ ششم، تهران: سمت.

میرشاه جعفری، ابراهیم و تقی زاده، محسن (۱۳۹۵). واکاوی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر دین پذیری دانشجویان، **فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**، ٦۸، ۲۰(۳)، ۳٤۵-۳۵۸.

Akker, J. van den, Fasoglio, Daniela, Mulder, Hetty. (2010)."A curriculum perspective on plurilingual education"**, SLO (Netherlands institute for curriculum development).**

Pantic, N. & Wubbels T. (2012). Teachers moral values and their interpersonal relationships with students and cultural competence. **Teaching and Teacher Education**, 28: 451-460.

Ratcliff, J. L. (1992). Reconceptualizing the college curriculum. **Perspectives,** 22, 122-137.

Saroglou, V. (2010). Religiousness as a cultural adaptation of basic traits: A five-factor model perspective. **Personality and Social Psychology Review**, 14(1): 108-125.

Shapira-Lishchinsky, O. (2013). Team-based simulations: Learning ethical conduct in teacher trainee programs. **Teaching and Teacher Education**, 33: 1-12.

Shapira-Lishchinsky, O. (2016). from ethical reasoning to teacher education for social justice. **Teaching and Teacher Education**, 60: 245-255.

Shenfield, R. (2016). Perspectives on moral ambiguity and character education in the drama classroom. **NJ,** 40(2): 95-104.